

## آشنایی با نسخه خطی دیوان مظهر جان جانان

عراق رضا زیدی\*

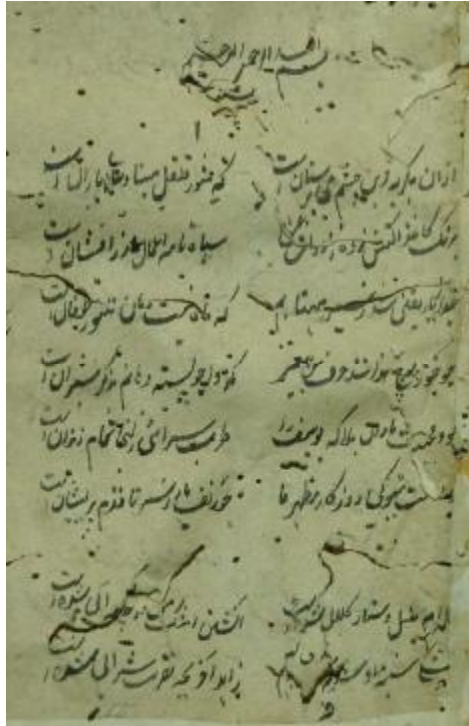
سپاس فراوان از آن خداوند که در کلام مقدّس خود (قرآن کریم) قسم به قلم و نوشتن خورده است. رَبِّ الْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ<sup>۱</sup> و یکی از اسماء صفاتی آن «المصوّر» است. همان خدا، رسول ما را «شهر علم» و وصی آن را دروازه آن شهر علم قرار داده است. بیشتر کاتبان قدیم و جدید عربی و فارسی بر این نکته اتفاق دارند که اصول کتابت از همین در شهر علم - حضرت علی<sup>(ع)</sup> - منکشف شده است. قبل از آغاز چاپخانه‌ها تاریخ و ادب را به‌توسط کتابت نگهداری می‌کردند. قبل از ایجاد چاپخانه برای چاپ کتاب، کاتب (خطاط) لازم بود، ولی در این چند دهه اخیر اگرچه کامپیوتر اهمیت کاتبان را از بین برده، ولی با وجود این، سرمایه ادبی، تاریخ و فرهنگی بزرگان ما هنوز به شکل نسخه‌ها (مخطوطات) در کتابخانه‌های معروف هند و کتابخانه‌های شخصی موجود و محفوظ‌اند. بخش اعظمی از سرمایه مهم و گران‌بهای ادب فارسی در هند بوده است. اگرچه تعداد زیادی از آنها را انگلیسی‌ها در دوران حکومت خود به انگلستان، فرانسه و پرتغال بردند. موقعی که شبه قاره آزاد گردید، مدبران و استادان و دانشمندان هندی و ایرانی چون علی اصغر حکمت که مدتی در هند زندگی می‌کردند برای محافظت این سرمایه عظیم ادب فارسی خیلی کوشیدند و در زمان حاضر مؤسسه نور وابسته به جمهوری اسلامی ایران نیز برای محافظت و مراقبت این نسخه‌های خطی سعی خودش را به خوبی انجام می‌دهد، بعد از آزادی هند این سرمایه عظیم را در

---

\* استاد فارسی جامعه ملیه اسلامی، دهلی نو.

۱. قلم (۶۸)، آیه ۱.

کتابخانه‌های معروف و دانشگاه‌ها و کالج‌ها و موزه‌ها نگهداری کرده‌اند. برای استفاده درست از این مخطوطات مرکز تحقیقات فارسی خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران و مرکز میکروفیلم نور کار عظیم تهیه فهرست این کتاب‌ها را در دستور کار خود قرار



آغاز نسخه خطی مظهر جان‌جانان دهلوی  
در یکی از کتابخانه‌های شبه قاره

داده‌اند. فهرست‌های فراوانی تا به حال از نسخه‌های خطی کتابخانه‌های مختلف چاپ شده است. در زمان حاضر لازم است و تقاضای وقت نیز همین است که نسخه‌هایی را معرفی کنیم که در کتابخانه شخصی موجود می‌باشد. چون رسیدن به کتابخانه‌های شخصی کار هرکس نیست. بنده در این مقاله کوتاه یک دیوان نسخه خطی که در یک کتابخانه شخصی محفوظ است را معرفی می‌کنم. این نسخه، نسخه دیوان مظهر جان‌جانان است.

جان‌جانان در روزگار علی حزمین لاهیجی و خان آرزو زندگی می‌کرد. در سال ۱۱۱۳ هجری یازدهم ماه رمضان المبارک بروز جمعه به «کالا باغ»

مالوه متولد شد. سلسله نسب وی با ۳۶ پشت به توسط محمد حنفیه به حضرت علی<sup>(ع)</sup> می‌رسد. مظهر جان‌جانان یکی از صوفیان سلسله نقشبندیّه بوده، ولی در عشق مولا علی<sup>(ع)</sup> سرشار و سرمست می‌ماند. چنان‌که گفت:

مقطع این غزل افتاد چو مشکل مظهر مدد قافیه‌ام شاه نجف کرد آخر

وفات وی در دهم محرم یعنی بروز عاشورای ۱۱۹۵ هجری در دهلی اتفاق افتاد. تاریخ وفات از «مظهر کل» یافته می‌شود. قبر وی نزد ترکمان گیت (در ترکمان) در دهلی واقع است. از آثار مظهر جان‌جانان یک دیوان فارسی، یک مجموعه نامه‌های

فارسی، وصیت‌نامه و خریطه جواهر به‌جای مانده است. خریطه جواهر انتخاب بعضی از شاعران فارسی است. غیر از این یک دیوان اردو هم دارد.

مظهر جانجانان، دیوان فارسی خود را در سال ۱۱۷۰ هجری در سن ۶۰ سالگی از میان بیست هزار بیت یک‌هزار بیت انتخاب نمود و آن را در دیوان خود قرار داد. همان‌طور که از دیباچه آن معلوم می‌شود:

”بعد حمد و صلوة، فقیر جانجانان متخلص به «مظهر» پسر میرزا جانجانان تخلص که علوی نسب و هندی مولد و حنفی مذهب و نقشبندی مشرب است... بعد تفحص از سفینه‌های بسیار، بیست هزار بیت قریب یک‌هزار آن هم بی‌ترتیب ردیف و اکثرش غزل‌های ناتمام به‌دست آمد و از نظر گذشت، هرچه خارج از این جمع است طرح دانند مگر از واردات تازه که بسیار کم اتفاق می‌افتد یا از مسودات کهن آنچه میسر می‌آید و از نظر می‌گذرد درج نموده می‌شود، مسلم است.“

بعد از مرتب‌کردن دیوان، مظهر جانجانان تقریباً ۲۵ سال در قید حیات بوده است. محمد عبدالرحمن ادعای همین مخطوطه را کرده و آن را از مطبع مصطفایی کانپور در سال ۱۲۷۱ هـ / ۱۸۵۴ م به‌چاپ رسانده است و همراه آن کلام شاعران دیگر فارسی به‌نام «خریطه جواهر» که به‌صورت بیاض جمع کرده بود را هم چاپ کرده است. آن دیوان را از مطبع مفید عالم آگره به‌اهتمام مولوی عبدالقدیر در سال ۱۳۰۹ هجری به‌چاپ رسانده، بعد از آن ملک جلال‌الدین الهی بخش کتابفروش لاهور همان‌طور آن را چاپ کرد.

دیوان چاپ شده محمد عبدالرحمن را نمی‌توانیم نسخه اصیل بگوییم، چون ایشان در هیچ‌جا درباره این نسخه چیزی ننوشته است که ایشان از کجا این را نقل کرده است. این دیوان ۸۹ صفحه می‌باشد. صفحه اول آن، دیوان میرزا مظهر جانجانان، به‌اهتمام هیچمدان محمد عبدالرحمن در مطبع مصطفایی واقع کانپور ۱۲۷۱ هجری و غیره به‌صورت قشنگ نوشته‌اند.

نسخه خطی که مورد نظر بنده است دیوان مظهر جانجانان می‌باشد که آن را بنده از عادل اسیر دهلوی که شاعر معروف کودکان می‌باشد گرفته‌ام و این نسخه خطی

ملکیت شخصی آقای عادل اسیر می‌باشد. بنده از عادل اسیر ممنونم که این مخطوطه را به بنده دادند. این نسخه دیوان مشتمل بر ۱۲۰ صفحه و کاتب آن محمد انورالله می‌باشد. بر صفحه اول نسخه عبارت ذیل به خط شکسته نوشته شده است و بر حروف آن هیچ نقطه‌ای یا علامتی نوشته نشده است. ولی بعد از زحمت بسیاری آن را خوانده‌ام:

باشد غبار خویش عبیر کفن مرا

مظهر جان‌جانان

باشد به وصف لعل لب دلستان ما	مانند غنچه پر ز زبان‌ها دهان ما
بر خاک ما نه شمع فرستاد و نی گلی	مردیم و سینه صاف نشد بر گمان ما
از اشک ما خراب نشد خانه کسی	چون ابر نیست سبز قدم کاروان ما
تا شکرهای مقدم تیغش ادا کنیم	همچون سنان ز فرق برآمد زبان ما

کاتب الحروف خاکسار مؤمنین

محمد انورالله

بر صفحه دوم چند مهر دیده می‌شود که از آن معلوم می‌شود که این دیوان در کتابخانه‌ای معتبر بوده یا از مطالعه امیری یا وزیری گذشته است. ولی آن مهرها را از لاک سفید پاک کرده‌اند و از رنگ سیاه دو جا درشت درشت دیوان مظهر و مظهر نوشته شده است و شماره کتابخانه ۱۵۴ هم درج شده است و خط آن خوانا و زیباست. اگرچه از گزند موریانه و کرم نیز تا حدودی ایمن نمانده ولی نسخه زیاد آسیب ندیده است بجز بعضی سوراخ‌های معمولی که می‌توان آن را نادیده گرفت چون به طور کلی نسخه خوانا است، ولی از کاغذ معلوم می‌شود که تقریباً کاغذ متعلق به صد و اندی سال پیش است و کتابت هم همین‌طور ولی هیچ‌جا تاریخ کتابت دیده نمی‌شود و شماره صفحه هم ندارد. ولی برای شناخت صفحات همان روش قدیم را به کار برده‌اند یعنی لفظ اول صفحه بعد را در آخر صفحه نوشته‌اند. از همین لفظ که در آخر صفحه می‌نویسند صفحه بعد را می‌شناسند. آقای عادل اسیر در این نسخه با مداد شماره صفحات را نوشته‌اند و نسخه را جلد هم کرده‌اند.

در این نسخه هم ترتیب غزلیات مطابق ردیف می‌باشد. یعنی از «الف تا یا» قبل از آغاز غزلیات با قلم سیاه، بسم الله الرحمن الرحیم؛ تحریر شده است. ولی طرف راست

قبل از بسم الله با قلم سرخ «ربّ یسّر» و طرف چپ «تمّم بالخیر» درج شده است بعد از این نوشتن شعر غزل شروع شده است. بر صفحه اول کمی جا خالی گذاشته‌اند و بعد از آن در ده سطر بعد از بسم الله هشت بیت نوشته شده است و به صفحات بعدی معمولاً ۱۳ سطر در هر صفحه می‌باشند و هر دو

**از آثار مظهر جان‌جانان یک دیوان فارسی، یک مجموعه نامه‌های فارسی، وصیت‌نامه و خریطه جواهر به‌جای‌مانده است. خریطه جواهر انتخاب بعضی از شاعران فارسی است.**

مصرع شعر در یک سطر نوشته شده است. ولی هر دو مصرع مقطع به دو سطر نوشته شده، از این می‌توانیم به خوبی دریابیم که غزل تمام شده و غزل دیگری آغاز می‌شود. یکصد و چهار صفحه این نسخه پر از غزلیات‌اند که مجموعاً تعداد ابیات غزل‌ها هزار و صد و شش می‌باشد و برعکس این در دیوان چاپ شده تعداد تمام اشعار غزلیات ۹۴۵ بیت است. در این نسخه

خطی با عنوان «افراد» نوزده شعر متفرقه هم موجودند. این اشعار در دیوان چاپ شده وجود ندارد. در این نسخه برعکس تعداد ابیات دیوان چاپ شده، یعنی ۹۴۵ بیت در نسخه خطی ۱۱۲۵ بیت موجودند که در تعداد تقریباً ۸۰ بیت از نسخه چاپی بیشتر دارد و در این نسخه خطی صفحه ۲ تا ۱۰۳ غزلیات آمده‌اند و از صفحه ۱۰۳ تا ۱۰۴ ده رباعی نوشته است و در صفحه ۱۰۵ تا ۱۰۸ نوزده فرد درج شده است، صفحه ۱۰۹ تا ۱۱۱ دو مخمس که هریک هفت بند دارد، آمده و در صفحه ۱۱۳ تا ۱۱۴ هفت بند واسوخت تحریر است، بعداً یک قطعه تاریخ عقد کسی آمده است.

لذا ضرورت وقت این است که این هر دو دیوان مقایسه شوند و یک دیوان جدید ترتیب داده شود و بعد از سعی و کوشش می‌توانیم نسخه‌های دیگر دیوان مظهر جان‌جانان را پیدا کنیم، فعلاً بنده در این مقاله کوتاه بعضی از اشعار غزل را مورد مقایسه قرار می‌دهم که در دیوان موجوده چاپ شده وجود ندارد که میان آن هشت غزل اولین و یک غزل آخری می‌باشد که مورد مقایسه قرار داده می‌شود.

نخستین غزل دیوان چاپ شده فقط سه بیت درج شده‌اند که مطلع آن این است:

ابی نزد به‌روی گران خواب بخت ما با آن که گریه داد به سیلاب رخت ما

در حالی که در نسخه خطی مورد نظر هفت بیت می باشد. مظهر جان جانان در این غزل دو مطلع گفته است ولی در دیوان چاپ شده، مطلع اول وجود ندارد و فقط حسن مطلع دارد. مطلع در نسخه خطی مورد بحث چنین است:

ما را به آب گریه ما داد بخت ما غم بار کرد بر سر سیلاب رخت ما  
علاوه بر این در غزل مذکور بیت چهارم و ششم هم هست که در نسخه چاپ شده نیست.

فرهاد پیش ما خط زنهار می کشد دندان تیشه کند کند جان سخت ما  
یک ناله از در دل ما بی نوا نرفت خوان خلیل شد جگر لخت لخت ما

در همان غزل اول، غیر از تفاوت ابیات فراوان در دیوان چاپ شده، و خطی تفاوت دیگر هم در این است که در نسخه مطبوعه مصرع اول از مقطع کلمه «رמיד» و در مخطوطه لفظ «برید» آمده است. در آغاز مصرع دوم مقطع نیر کلمه «دیوانه» به جای «جانانه» آمده است.

در غزل دوم دیوان چاپ شده ۹ بیت دارد و در نسخه خطی ۱۰ بیت و در این نسخه در بیت ششم به این بیت برمی خوریم که در نسخه چاپی نیست:

بس که عمری سوختم داغ ملیحان عرب

لازم افتاده است چون مجنون تپ سودا مرا  
سومین غزل دیوان چاپ شده، منحصر بر هفت بیت می باشد. ولی در نسخه خطی این غزل، غزل شانزدهم است و هشت بیت دارد اگرچه در نسخه خطی بیت ششم وجود ندارد، اما ابیات زیرین اضافه هستند:

ثناخوان لب و دندان خوبانیم از عمری

کسی از لعل و گوهر پر نمی سازد دهان ما  
پس از ما بی چراغ این خاندان درد خواهد شد

مده چون ناله برباد ای محبت دودمان ما

در غزل چهارم دیوان چاپ شده هفت بیت وجود دارد ولی در نسخه خطی این غزل پانزدهم است. در نسخه خطی قبلاً فقط پنج بیت بوده ولی بعداً کاتب دیگری در میان آن دو بیت را اضافه کرده است.

در غزل پنجم دیوان چاپ شده، فقط هفت بیت آمده است، در حالی که در نسخه خطی این غزل نهم می‌باشد که در آن قبلاً شش بیت بوده ولی بعداً کسی از نسخه دیگر دو بیت را اضافه کرده، همان‌طور ابیات زیرین اضافه شده است:



انجام نسخه خطی دیوان مظهر جانجانان، در یکی از کتابخانه‌های شبه قاره

ز عمری گرم جوشش‌هاست با ما زخم حسرت را

عجب ربطی ست قلبی این نمکخوار محبت را

در غزل بالا یک بیت خیلی شهرت گرفته و زبانزد خواص و عوام شده:

بنا کردند خوش رسمی بخون و خاک غلطیدن

خدا رحمت کند این عاشقان پاک طینت را

غزل ششم در هر دو دیوان یکسان است، ولی در بعضی از اشعار الفاظ جداگانه

هستند و در نسخه خطی این غزل سی و دوم می‌باشد.

در غزل هفتم قبلاً در هردو دیوان شش بیت بوده است. بعداً در این نسخه خطی بیت سوم را از نسخه دیگر اضافه کرده‌اند، این چهارمین غزل در نسخه می‌باشد. شود در دل گره چون... قدرش افزایش مرصع می‌کند جوش حباب باد مینا را غزل هشتم در دیوان چاپی در نسخه خطی بیست و دوم است و بیت زیرین را اضافی دارد:

خار را پا می‌رود از جا ز جوشش‌های من نیست پروا همچو سیلاب از تهی پای مرا  
در دیوان چاپ شده تحت ردیف یای تحتانی یک شعر آخر به‌طور غزل کامل  
نوشته شده است، ولی در نسخه مذکور در این غزل سه بیت درج شده‌اند، ابیات زیر  
اضافه هستند:

پاره شوخ و پاره نمکین      های دشنام ناتمام کسی  
وا به شکر تبسم است لبش      نیست زخم نمک‌حرام کسی  
سرازم تیغ بردن آسان نیست      های مظهر خم سلام کسی

مختصراً می‌توان گفت که این نسخه خطی دیوان مظهر جان‌جانان دارای اهمیت زیادی می‌باشد. چون عظمت و شهرت صوفیانه جان‌جانان به سبب این نسخه بیش از پیش درخشان‌تر می‌شود و توسط این نسخه ابیات فراوانی از یکی از شاعران بزرگ نسل آخرین فارسی در هند به دست می‌آید و از این اشعار می‌توان به مقام ادبی و بصیرت و دانش عرفانی مظهر جان‌جانان پی برد.